

The Role of Local Online Networks in Empowering Women from Lower Class in Tehran Province (A Study Based on Big Data Mining of Instagram)

Abolfazl Hajizadegan 

Ph.D Candidate of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
(a.hajizadegan@ut.ac.ir)

Hamidreza Jalaeipour 

(Corresponding Author)

Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
(jalaeipour@ut.ac.ir)

Abstract

This study employs data mining techniques on Instagram big-data to identify and configure the most influential local networks and fields across 11,515 high-engagement local pages in Tehran Province, using social network analysis methods. The findings reveal that as internet penetration has deepened in citizens' daily lives, working-class women have gradually formed robust local online networks, enabling them to create extensive informal micro-enterprises, and emerge as an unintended new social force driving socio-political change. The dominant poles within identified local fields, ranked by network size, are: women engaged in Instagram-based micro-enterprises, celebrities, conservatives, central-city residents, street toughs ("Lāts"), Turkish-speaking communities, pigeon-keeping enthusiasts. Among these seven local fields, national influencer pages exhibit strongest authority within: celebrity networks (highest), working women's networks, conservative circles; indicating these three fields possess greater capacity to directly shape citizens' political attitudes and behaviors. Notably, women engaged in Instagram-based micro-enterprises networks demonstrate significantly greater influence in: high-migration zones, recently developed suburban settlements, areas with weaker traditional/religious/governmental institutions. The study concludes that Tehran's emerging pattern of "quiet encroachments" differs fundamentally from pre-internet era movements in terms of: formation contexts, geographical distribution, core social actors, and types of demands.

Keywords: Online local networks, Lower class women, Instagram, Data mining, Community detection

نقش شبکه‌های محلی آنلاین در قدرت‌یابی زنان طبقه فرودست در استان تهران (مطالعه‌ای بر اساس داده‌کاوی کلان‌داده‌های اینستاگرام)

ابوالفضل حاجی‌زادگان^۱  حمیدرضا جلانی‌پور^۲ 

چکیده

در این تحقیق که با داده‌کاوی بر روی کلان‌داده‌های اینستاگرام انجام شده است، با استفاده از روش اجتماع‌یابی بر روی شبکه روابط مابین ۱۱ هزار و ۵۱۵ صفحه پرمخاطب محلی در استان تهران، تأثیرگذارترین شبکه‌ها و میدان‌های محلی در استان تهران شناسایی و پیکربندی شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که در سال‌های اخیر به واسطه فراگیرتر شدن استفاده از اینترنت در زندگی روزمره شهروندان، زنان طبقه فرودست توانسته‌اند با تشکیل تدریجی شبکه‌های محلی آنلاین، به‌طور گسترده‌ای مشاغل خرد و غیررسمی برای خود ایجاد کرده و همچنین به‌طور ناخواسته به نیروی اجتماعی جدیدی در تغییرات اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند. قطب‌های مسلط در میدان‌های محلی شناسایی شده به‌ترتیب وسعت شبکه عبارت‌اند از: زنان دارای مشاغل آنلاین، سلبریتی‌ها، محافظه‌کاران، مرکز نشین‌ها، لات‌ها، ترک‌زبان‌ها و کفتر بازها. در بین این هفت میدان محلی آنلاین، بیش‌ترین مرجعیت صفحه‌های پرمخاطب ملی، به‌ترتیب در میدان سلبریتی‌ها، زنان شاغل و محافظه‌کاران دیده می‌شود و از این جهت این سه میدان محلی آنلاین، قابلیت تأثیرگذاری مستقیم‌تری بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی شهروندان دارند. میدان‌های محلی زنان دارای مشاغل آنلاین به‌طور معناداری در مناطقی از استان تهران قدرت بیش‌تری دارند که مهاجرپذیرترند، در سال‌های اخیر در آن‌ها شهرک‌سازی انجام شده و نهادهای سنتی، مذهبی و حکومتی ضعیف‌تری دارند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، الگوی متأخر پیش‌روی‌های آرام در استان تهران، به‌لحاظ بستر شکل‌گیری، موقعیت جغرافیایی، نیروی اجتماعی محوری و نوع مطالباتش، تفاوت‌های اساسی‌ای با پیش‌روی‌های آرام در دوران پیش‌اینترنتی پیدا کرده است.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های محلی آنلاین، زنان طبقه فرودست، اینستاگرام، داده‌کاوی، اجتماع‌یابی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران/ a.hajizadegan@ut.ac.ir
مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری با عنوان «شناسایی و تبیین الگوهای رفتار سیاسی طبقه فرودست در ایران» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشد.
۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)/ jalaeipour@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

پیرامون تأثیر فضای آنلاین بر صف‌آرایی‌های سیاسی و اجتماعی، دو رویکرد متباین وجود دارند. در یک سو، شاهد ادبیاتی اغراق‌آمیز درباره نقش تعیین‌کننده فضای آنلاین بر تمامی واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی هستیم و در سویی دیگر، گروهی با نادیده گرفتن واقعیت‌هایی که «مجازی» خوانده می‌شوند، تمام تمرکزشان را بر واقعیت‌های آفلاین معطوف کرده‌اند. با توجه به این که هر دو گروه می‌توانند در تأیید ادعاهایشان به بُرش‌هایی از واقعیت استناد کنند، فراتر رفتن از این دعوای نظری فرساینده مستلزم انجام پژوهش‌هایی است که علاوه بر روش‌مندی، چارچوب‌بندی مناسبی نیز برای مشاهده توأمان متغیرهای آنلاین و آفلاین داشته باشند تا میزان توضیح‌دهندگی هر کدام از متغیرهای آنلاین و آفلاین در مسائل و حوزه‌های گوناگون تا حدودی روشن‌تر شود.

در این پژوهش که بخشی از رساله دکتری در ارتباط با رفتارهای سیاسی طبقه فرودست در استان تهران است، قصد داریم با رجوع به کلان‌داده‌های اینستاگرام، ضمن شناسایی شبکه‌های محلی آنلاین در این استان، ویژگی‌های هر کدام از این شبکه‌های محلی و نیز چگونگی برهم‌کنش این شبکه‌ها را با یکدیگر و نیز با شبکه‌های ملی مورد بررسی قرار داده و نهایتاً نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین در قدرت‌یابی مؤثرترین نیروهای اجتماعی در این شبکه‌های محلی را مورد ارزیابی قرار دهیم.

در سال‌های اخیر با افزایش شتاب‌مند نفوذ اینترنت در زندگی روزمره مردم، نظریه «پیوندهای ضعیف» که گرانووتر^۱ در حدود نیم قرن پیش برای تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای اقتصادی مطرح کرده بود (گرانووتر، ۱۹۷۳)، این بار مورد توجه جدی پژوهش‌گران شبکه‌های اجتماعی آنلاین قرار گرفته است. گرانووتر روابط اجتماعی را به دو دسته «پیوندهای قوی»^۲ (مانند دوستان نزدیک و اعضای خانواده) و «پیوندهای ضعیف»^۳ (مانند آشنایان و همکاران) تقسیم کرده و توضیح می‌دهد که در شبکه‌های اجتماعی افراد معمولاً در پیوندهای قوی خود اطلاعات مشترکی دارند، در حالی که پیوندهای ضعیف اطلاعات جدید و متنوع‌تری را منتقل می‌کنند. این پیوندهای ضعیف در واقع «پل‌های محلی»^۴ هستند که افراد را به گروه‌های دیگر متصل کرده و باعث انتقال اطلاعات بین گروه‌های مختلف می‌شوند. نهایتاً گرانووتر نتیجه‌گیری می‌کند که برخلاف انتظار اولیه، پیوندهای ضعیف نه تنها کم‌اهمیت نیستند، بلکه نقش بسیار مهمی در شبکه‌های اجتماعی و انتشار اطلاعات ایفا می‌کنند. افراد از طریق این پیوندهای ضعیف به منابع جدیدی از اطلاعات و فرصت‌ها دسترسی پیدا می‌کنند که از طریق پیوندهای قوی امکان‌پذیر نیست.

با در نظر گرفتن مفهوم‌سازی‌هایی که گرانووتر برای تبیین منطق کنش‌های فردی و جمعی شهروندان در شبکه‌های اجتماعی آفلاین انجام داده است، می‌توان شبکه‌های محلی آنلاین را نیز مصداق پل‌های محلی‌ای در نظر گرفت که بر اساس پیوندهای ضعیف شکل گرفته و ضمن شکل‌دادن به میدان‌های محلی نسبتاً مستقل، تسهیل‌کننده انتقال پیام از سوی شبکه‌ها و میدان‌های ملی نیز می‌شوند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های شبکه‌های محلی (اعم از آنلاین و آفلاین) این است که افراد یا گروه‌ها را در شبکه‌های مجزا به هم وصل کرده و به انتقال اطلاعات میان گروه‌های مختلف کمک می‌کنند. در واقع، این شبکه‌ها می‌توانند در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان تسهیل‌کننده‌هایی کلیدی عمل کنند (هوانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). اما تأکید هوشمندانه گرانووتر بر قدرت

1. Granovetter
2. Strong Ties
3. Weak Ties
4. Local Bridges
5. Huang

پیوندهای ضعیف، نباید ما را از اهمیت پیوندهای قوی غافل کند. ترکیب روابط قوی و ضعیف می تواند به ایجاد شبکه های ارتباطی مؤثرتر و بهبود فرآیند تصمیم گیری کمک کند. روابط قوی می توانند اعتماد و همبستگی ایجاد کنند، درحالی که روابط ضعیف می توانند دسترسی به اطلاعات جدید و متنوع را تسهیل کنند و در نتیجه ترکیب این دو نوع ارتباط می تواند به بهبود کیفیت تصمیم گیری در گروه های بزرگ منجر شود (وو^۱، ۲۰۲۴).

شناخت بهتر و عمیق تر واقعیت های فضای آنلاین مستلزم رفت و برگشت مداوم میان فضای آنلاین و فضای آفلاین است. کاستلز^۲ معتقد است که جامعه شبکه ای، جامعه ای صرفاً مجازی نیست و فضای جریان های آنلاین در تعامل با فضای مکان های آفلاین، واقعیتی ترکیبی ایجاد می کند که بدون در نظر گرفتن هر دو بُعد قابل درک نیست (کاستلز، ۱۹۹۶). تارا ال. کانلی^۳ که یکی از شارحین نظریه «پیوستگی آنلاین - آفلاین» است نیز معتقد است واقعیت های آنلاین منجر به شکل گیری واقعیت های آفلاین می شوند و بالعکس؛ و این تعامل به بازسازی تجربیات در زمینه های مختلف منجر می شود (کانلی، ۲۰۱۲). هنگامی که بر شبکه های محلی آنلاین متمرکز می شویم، درهم تنیدگی فضاهای آنلاین و آفلاین بیش تر برایمان جلوه گر می شود؛ چراکه این شبکه ها هم در فضای آنلاین بروز پیدا می کنند و از طرفی مبتنی بر روابطی اند که مابه ازای آفلاین نیز دارند. از این جهت است که رابرت پاتنام^۴ علی رغم نگاه نسبتاً بدبینانه اش نسبت به فناوری های ارتباطی جدید، معتقد است که استفاده از این ابزارهای جدید در لایه های محلی برای سازمان دهی اقدامات جمعی می تواند منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شود (پاتنام، ۲۰۱۵). از این جهت، این پژوهش با هدف پُر کردن شکاف میان رویکردهای آنلاین و آفلاین، ضمن استفاده از تکنیک های تحلیل شبکه های اجتماعی^۵ در تحلیل شبکه های محلی آنلاین، به طور توأمان زمینه های آفلاین شکل گیری و تأثیرگذاری این شبکه های اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده است.

چارچوب مفهومی

بر اساس نظریه های مرور شده، الگوی کلی روابط متقابل میان کاربران/شهروندان با شبکه های محلی و ملی آنلاین و آفلاین را می توان در شکل شماره ۱ مشاهده کرد. آنچه در این الگو مورد تأکید قرار می گیرد این است که واقعیت های مرتبط با فضای آنلاین لازم است که از یک سو در پیوند با فضای آفلاین و از سوی دیگر در رفت و برگشت مداوم میان سطوح محلی و فرامحلی مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد. همان طور که پژوهش همپتون و ولمن (۲۰۱۸) نیز نشان می دهد، رسیدن به فهم درست تر و عمیق تر از منطق موقعیت شهروندان/کاربران در گرو توجه توأمان به تمامی اجزای این شبکه ارتباطاتی است.

-
1. Wu
 2. Castells
 3. Conley
 4. Putnam
 5. Social Network Analysis



شکل شماره ۱: الگوی روابط متقابل میان شهروندان و شبکه‌های محلی و ملی

در سال‌های گذشته، بعضی از پژوهش‌گران از نظریه میدان بورديو برای تحلیل نحوه تعاملات نیروهای مؤثر در فضای آنلاین استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال، مارکو سرینو^۱ در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ و شبکه‌ها در میدان‌های اجتماعی آنلاین» به این نکته اشاره می‌کند که شبکه‌های اجتماعی آنلاین مانند فیس‌بوک و توییتر به عنوان «میدان‌های آنلاین» عمل می‌کنند که در آن‌ها افراد از فرهنگ (به ویژه از طریق اشتراک‌گذاری محتوا و تجربیات شخصی) برای تعامل با یکدیگر استفاده می‌کنند. این شبکه‌ها هم‌زمان ساختار اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارند که از طریق آن افراد به طبقه‌بندی یکدیگر و به اشتراک‌گذاری محتوا می‌پردازند. سرینو به استفاده از کلان‌داده‌های شبکه‌های اجتماعی آنلاین به عنوان ابزاری برای تحلیل تعاملات آنلاین و فهم ساختارهای اجتماعی تأکید دارد. وی همچنین به ترکیب تحلیل شبکه‌های اجتماعی با نظریه بورديو در زمینه فرهنگ و ساختارهای اجتماعی اشاره می‌کند. به بیان دیگر سرینو در این مقاله بر اهمیت روابط متقابل میان فرهنگ و ساختار در محیط‌های آنلاین تأکید داشته و نشان می‌دهد که چگونه افراد در این فضاها از فرهنگ به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط و تأثیرگذاری بر دیگران استفاده می‌کنند (سرینو، ۲۰۲۱). در این تحقیق نیز قصد داریم با داده‌کاوی بر روی کلان‌داده‌های اینستاگرام، نهایتاً به یک پیکربندی از شبکه‌ها و میدان‌های محلی آنلاین در استان تهران دست یابیم. در این جا مفهوم پیکربندی^۲ را به معنایی که نوربرت الیاس مطرح کرده است به کار می‌بریم؛ یعنی مجموعه‌ای از افراد به هم پیوسته که رفتار و کنش هر کدام تحت تأثیر روابط متقابل میان آن‌ها قرار دارد. الیاس معتقد است بررسی یک میدان اجتماعی، در وهله نخست کشف کردن ساختارهای بنیادی است که به همه رویدادهای یک میدان اجتماعی معین، جهت‌گیری و ریخت‌شناسی ویژه‌ای را القا می‌کند. این جاست که می‌توانیم وجوه مشترک جامعه‌شناسی الیاسی و جامعه‌شناسی بورديو را ببینیم (هنیش، ۱۳۸۹).

اینستاگرام در طی سال‌های گذشته، اقبال چشم‌گیری در جامعه ایران پیدا کرده است. بر اساس پیمایش ایسپا، در شهریور سال ۱۴۰۳، ۵۰٫۶٪ از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از اینستاگرام استفاده می‌کنند. این در حالی است که نسبت کسانی که در شهریور سال ۱۳۹۶ گفته بودند از این پلتفرم استفاده می‌کنند، تنها ۹٫۷٪ بوده است (ایسپا، ۱۴۰۳). البته این اقبال فزاینده صرفاً

1. Serino
2. Configuration

به صورت کمی نبوده و به طور کلی می توان گفت که فضای ایرانی اینستاگرام در طی سال های گذشته، علاوه بر رشد کمی، متکثرتر نیز شده است. بر اساس پژوهش طولی حاجی زادگان بر روی صفحه های پرمخاطب ایرانی در اینستاگرام در سال ۱۳۹۸، پنج گروه اصلی در بین صفحات پرمخاطب ایرانی در اینستاگرام به ترتیب شامل صفحات «طنز و سرگرمی»، «سینمایی»، «مد و زیبایی»، «موسیقی» و «پورنوگرافی» بوده اند که سهم هر کدامشان به ترتیب ۳۲، ۱۴، ۱۳، ۱۱ و ۹٪ بوده است. این نسبت ها در سال ۱۴۰۳ به ترتیب به ۲۴، ۷، ۴، ۱۰ و ۷٪ رسیده است؛ که نشان می دهد مجموع سهم این پنج گروه در فاصله پنج سال از ۷۹٪ به ۴۶٪ کاهش یافته است. همچنین، در حالی که صفحه های «آموزشی»، «کسب و کار»، «سبک زندگی»، «احساسی»، «گردشگری» و «مذهبی» در سال ۱۳۹۸ به ترتیب سهم ۵، ۲، ۲، ۰، ۲ و ۳٪ داشته اند (در مجموع ۸ درصد)، این نسبت ها در سال ۱۴۰۳ به ترتیب به ۱۷، ۱۲، ۷، ۹، ۲ و ۳٪ رسیده و در واقع در فاصله پنج سال از مجموع سهم حدود ۸ درصدی به مجموع ۴۳ درصدی رسیده اند (حاجی زادگان، ۱۴۰۳). در نتیجه، می توان گفت اینستاگرام، فراگیرترین و متکثرترین پلتفرم آنلاین در ایران است و از این جهت، در این پژوهش بر روی این پلتفرم متمرکز شده ایم.

در این پژوهش منظور از صفحات اینستاگرامی محلی استان تهران، آن دسته از اکانت های اینستاگرامی اند که بیش از هزار دنبال کننده دارند، در طی یک سال گذشته در اینستاگرام فعالیت داشته باشند، و به طور مشخص در محدوده یکی از شهرستان ها یا محله های استان تهران فعالیت کنند. لازم به توضیح است که با توجه به گستردگی و بزرگی شهرستان تهران، صفحاتی که در گستره شهر تهران فعالیت می کنند را وارد این لیست نکرده ایم.^۱

با در نظر گرفتن ملاحظات فوق، پرسش های این پژوهش به شرح ذیل هستند:

۱. شبکه های محلی آنلاین در استان تهران از چه گروه هایی تشکیل شده اند؟
۲. توزیع جغرافیایی و جنسیتی شبکه های محلی آنلاین در استان تهران چگونه است؟
۳. بر اساس انباشت روابط در دو سطح محلی و ملی، اصلی ترین میدان های محلی آنلاین در استان تهران کدامند؟
۴. شبکه های اجتماعی آنلاین در قدرت یابی مؤثرترین نیروهای اجتماعی در این شبکه های محلی چه تأثیری داشته است؟
۵. الگوی پیشروی آرام در استان تهران در سال های اخیر چه تفاوت هایی با دوران پیشا اینترنتی پیدا کرده است؟

پیشینه تجربی

همپتون و ولمن^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه تحولات جوامع محلی در عصر دیجیتال نشان داده اند که نگرانی ها درباره مرگ جوامع محلی، به دوره های پیشین بازمی گردد و علی رغم نگرانی های رایج درباره انزوای اجتماعی ناشی از فناوری، جوامع محلی نه تنها از بین نرفته اند، بلکه به شکل های جدیدی در حال ظهور هستند. این دو پژوهش گر بر اساس یافته های این پژوهش ادعا می کنند که روابط اجتماعی از شکل سنتی (مبتنی بر مکان) به روابط شبکه ای (مبتنی بر علایق و ارتباطات شخصی) تغییر کرده اند و در واقع فناوری های دیجیتال این امکان را فراهم کرده اند که افراد بتوانند هم زمان با حفظ روابط محلی، ارتباطات فرامحلی نیز داشته باشند. این پژوهش نشان داد که روابط اجتماعی شهروندان از طریق ترکیبی از تعاملات آفلاین و آنلاین حفظ می شوند و برخلاف تصور رایج، استفاده از فناوری های دیجیتال، لزوماً منجر به کاهش تعاملات آفلاین نمی شود. نویسندگان این تحقیق با مطرح کردن مفهوم

۱. به عنوان مثال، صفحه ای که به معرفی جاذبه های گردشگری شهر تهران اختصاص دارد به عنوان صفحه محلی در نظر گرفته نمی شود؛ اما صفحه ای که به عنوان مثال به انتشار اخبار و رویدادهای شهرک اکباتان اختصاص دارد، به عنوان صفحه محلی در نظر گرفته شده است.

«جامعه شبکه‌ای» این ایده را مطرح می‌کنند که افراد می‌توانند به‌طور هم‌زمان در چندین شبکه اجتماعی (هم محلی و هم فرامحلی) مشارکت داشته باشند. این شکل جدید از جامعه، انعطاف‌پذیری بیش‌تری در برقراری و حفظ روابط اجتماعی ایجاد کرده است و بنابراین برای فهم بهتر منطق موقعیت شهروندان در شبکه‌های محلی، لازم است که به‌طور توأمان، ارتباطات محلی و ملی مورد توجه و مطالعه قرار بگیرند.

برخلاف نتیجه‌گیری همپتون و ولمن، بعضی از پژوهش‌گران نگاه بدبینانه‌ای نسبت به تأثیر فناوری‌های ارتباطی جدید بر تعاملات اجتماعی آفلاین شهروندان دارند. به‌عنوان مثال، اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی که درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی انجام داده‌اند، با اتکا بر نتایج پیمایشی با حجم نمونه ۳۸۴ نفر در شهر تهران، به این ادعا رسیده‌اند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی شهروندان رابطه منفی وجود دارد. در چنین پژوهش‌هایی، با توجه به روش به‌کارگیری‌شده، اظهارات پاسخگویان مبنای استنتاج قرار می‌گیرد و با توجه به محدودیت روش، امکان مشاهده رفتارهای واقعی‌تر شهروندان وجود ندارد. اما فارغ از این محدودیت‌های روش‌شناختی، مشکل دیگری که در این پژوهش مشهود است، یکسان‌انگاشتن رابطه همبستگی و رابطه علی است. نویسندگان این مقاله معتقدند برخلاف نتایج به‌دست‌آمده در غرب که حاکی از تأثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر افزایش مشارکت سیاسی هستند، در نتایج تحقیقات داخلی، رابطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی، منفی و معنادار است. به‌نظر می‌رسد در چنین استنتاجی، نقش سایر متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی نادیده گرفته شده و همبستگی معنادار میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی، الزاماً به‌معنای رابطه علی میان این دو متغیر در نظر گرفته شده است.

یکی از پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر درخصوص به‌حاشیه‌رانده‌شدگان در استان تهران انجام شده است مربوط به پایان‌نامه دکترای مارال لطیفی (۱۴۰۳) است. در این پژوهش، لطیفی علاوه بر انجام بررسی‌های اسنادی و نیز مشاهده غیرسیستماتیک، با انجام مصاحبه‌هایی عمیق با کسانی که تجربه تنزل طبقاتی داشته‌اند، بر بخش‌های کم‌تردیده‌شده‌ای از رنج‌های اجتماعی این بخش از جامعه نور می‌تاباند. یکی از نتایج مهم این پژوهش، به‌چالش کشیدن روایت جذاب و بدیهی انگارانه آصف بیات از شکل‌گیری پیوند بین تهی‌دستان و طبقه متوسط و نقش آن در اعتراضات سال‌های اخیر است (بیات، ۱۳۹۸). لطیفی با استناد به یافته‌های پژوهش خود، معتقد است افرادی که دچار تنزل طبقاتی شده و به مناطق حاشیه‌ای نقل مکان می‌کنند، تا مدت‌ها سکونت خود در مکان جدید را موقت می‌پندارند و از انتساب خود به آن‌جا شرمگین‌اند و با ساکنان قبلی آن مناطق فاصله‌گذاری می‌کنند و از طرفی نیز از شبکه دوستان و اقوام نیز بیرون می‌افتند و در نتیجه، دچار انزوای اجتماعی و سیاسی می‌شوند.

اگر بر اساس تعاریف گرانووتر از پیوندهای ضعیف و قوی بر روی این استدلال مکتب کنیم، می‌توانیم بگوییم که استدلال لطیفی به‌طور توأمان ناظر بر متغیرهایی از جنس پیوندهای ضعیف (فاصله‌گذاری و تمایز یابی نسبت به ساکنان قبلی) و پیوندهای قوی (بیرون‌افتادن از شبکه دوستان و اقوام) است. اما پژوهش لطیفی به‌لحاظ روش‌شناختی دچار دو نوع محدودیت است که می‌تواند استحکام و تعمیم‌پذیری ادعای پایانی‌اش را خدشه‌پذیر کند. محدودیت اول این است که روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش عمدتاً معطوف بر آن چیزهایی است که مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کنند و نه الزاماً آن‌چه آن‌ها رفتار می‌کنند. در نتیجه، بر اساس این روش نمی‌توان به سرنخ‌های جدی‌ای از پیوندهای اجتماعی آنلاین و آفلاینی که افراد واقعاً دارند دست یافت. محدودیت دوم نیز آن است که یافته‌های پژوهش‌های کیفی، با وجود این‌که می‌توانند ما را با فهم عمیق‌تری از واقعیت‌ها آشنا کنند، ماهیتاً در

رسیدن به نتایج تعمیم‌پذیر، توانایی کم‌تری دارند. در نتیجه نمی‌توان «اتمیزه‌شدن و تنهایی و انزوا» را سرنوشت محتوم و تعمیم‌پذیری برای این افراد به‌حاشیه‌رانده‌شده دانست.

با توجه به یافته‌های متناقض موجود در ادبیات موضوع و محدودیت‌های روش‌شناختی مطالعات پیشین، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی ترکیبی، از روش‌های مکملی بهره‌برده است تا به فهم عمیق‌تری از شبکه‌های اجتماعی آنلاین و آفلاین که چه به‌صورت محلی و چه به‌صورت فرامحلی (ملی یا جهانی) این افراد را دربرگرفته‌اند دست پیدا کند.

روش‌شناسی

برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز تحقیق، صفحات پُر مخاطب محلی در اینستاگرام را با روش «ردیابی پیوندها»^۱ شناسایی کردیم. در این روش، می‌توانیم همسایه‌های گره‌های قبلاً انتخاب‌شده را مشاهده کرده و درباره گره‌هایی که در ادامه لازم است مورد مشاهده قرار بگیرند تصمیم بگیریم (صالحی و همکاران، ۲۰۱۲). در بعضی از پژوهش‌ها، این روش را به‌عنوان نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۲ معرفی کرده‌اند (استیوالا^۳ و همکاران، ۲۰۱۶)، اما برای جلوگیری از ابهام میان روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی به‌عنوان یک روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و استفاده از آن به‌عنوان یک روش نمونه‌گیری برای مطالعه شبکه‌های اجتماعی، در سال‌های اخیر اصطلاح گلوله‌برفی با اصطلاح ردیابی پیوندها جایگزین شده است. البته در بعضی از متون، علاوه بر روش گلوله‌برفی، روش‌های دیگری را نیز ذیل عنوان کلی روش ردیابی پیوندها قرار می‌دهند، ازجمله روش جستجوی اول سطح^۴ و روش جستجوی اول عمق^۵ (آریکجیسری^۶، ۲۰۱۹). اما به‌طور کلی، در این پژوهش با استفاده از روش ردیابی پیوندها با رویکرد گلوله‌برفی، ابتدا اطلاعات تعدادی از صفحات محلی پُر مخاطب در اینستاگرام را در لیست‌مان ثبت کردیم. سپس به لیست دنبال‌شوندگان آن‌ها مراجعه کرده و نام صفحه‌هایی که دارای بیش از هزار نفر دنبال‌کننده‌اند، به لیست‌مان اضافه شدند. این کار را از طریق انواع مختلف صفحات پُر مخاطب محلی تا حد اشباع ادامه دادیم. این روش‌ها را تا جایی ادامه دادیم که مطمئن شویم اطلاعات تمام صفحات پُر مخاطب محلی اینستاگرامی در استان تهران را جمع‌آوری کرده‌ایم. سپس با مراجعه به تک‌تک این صفحات، ویژگی‌هایشان را در لیست‌مان ثبت کرده‌ایم. اطلاعاتی که در این مرحله جمع‌آوری شدند عبارت‌اند از: تعداد دنبال‌کننده، محتوای صفحه، جنسیت، گرایش سیاسی، موقعیت جغرافیایی.

جمع‌آوری کلان‌داده‌ها با استفاده از کراولرهای متصل به API اینستاگرام شده است. برای یکدست‌سازی و پیش‌پردازش کلان‌داده‌ها نیز از بستر کولب^۷ و زبان برنامه‌نویسی پایتون^۸ استفاده کرده و تحلیل داده‌های شبکه‌ای را نیز با نرم‌افزار تخصصی گفی^۹ انجام داده‌ایم. نهایتاً شناسایی میدان‌های محلی را با روش اجتماع‌یابی^{۱۰} و بر اساس الگوریتم لووین^{۱۱} انجام داده‌ایم. لازم به توضیح است با توجه به این‌که خاستگاه روش اجتماع‌یابی در علوم داده است و نه علوم اجتماعی، این عنوان باید با همان منطق علوم داده به‌کار گرفته شود.

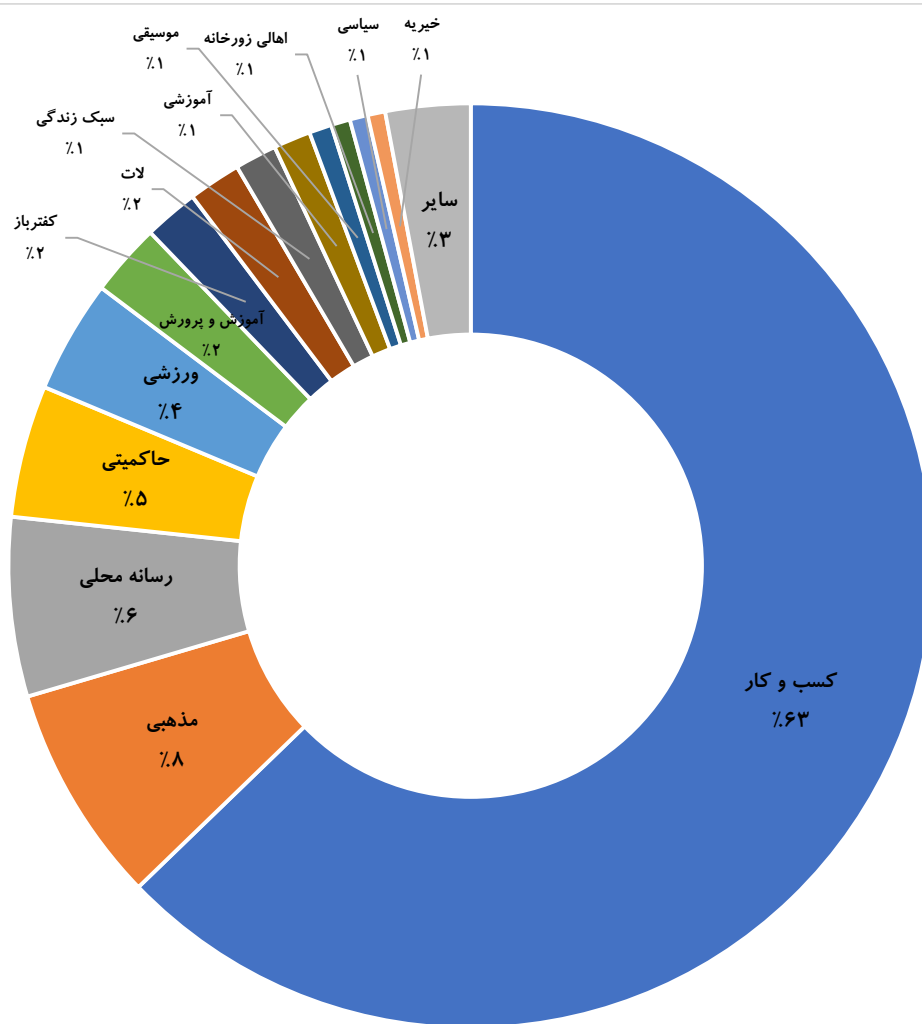
1. Link Tracing
2. Snowball Sampling
3. Stivala
4. Breadth-First Search
5. Depth-First Search
6. Areekijseree
7. Google Colaboratory (Colab)
8. Python
9. Gephi
10. Community Detection
11. Louvain Algorithm

روش اجتماعیابی بر اساس الگوریتم لووین یکی از الگوریتم‌های شناخته‌شده و کارآمد برای شناسایی اجتماع‌ها (میدان‌ها) در گراف‌ها است که در سال ۲۰۰۸ توسط وینسنت بلوندل و همکارانش معرفی شده است. این الگوریتم برای بهینه‌سازی معیار ماژولاریتی^۱ طراحی شده و توانایی تجزیه گراف‌های بزرگ به اجتماعات با کیفیت بالا را دارد. ماژولاریتی معیاری است که کیفیت تقسیم‌بندی یک گراف را به اجتماعات، با توجه به تراکم یال‌ها در داخل اجتماعات و کمبود یال‌ها بین آن‌ها ارزیابی می‌کند (بلوندل^۲ و همکاران، ۲۰۰۸).

یافته‌ها

از مجموع ۱۱ هزار و ۵۱۵ صفحه پُر مخاطب محلی در استان تهران، ۶۳ درصدشان به کسب‌وکارهای محلی تعلق دارند و صفحات مذهبی، رسانه‌های محلی و صفحات حاکمیتی به ترتیب با ۸، ۶ و ۵٪ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

1. Modularity
2. Blondel



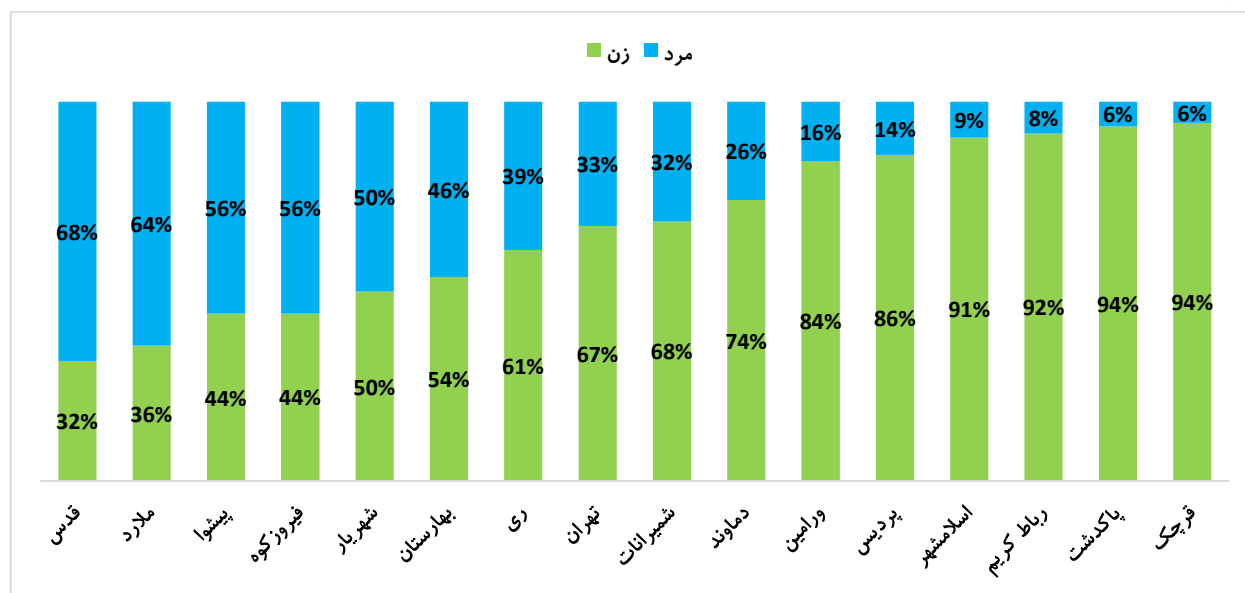
شکل شماره ۲: توزیع محتوایی صفحات پُرمخاطب محلی در استان تهران

همین طور که در نقشه شکل ۳ مشاهده می شود، علاوه بر شهرستان هایی مانند ورامین و دماوند که به طور تاریخی و تا حدودی مستقل از تهران، دارای میدان های محلی قدرتمندی اند، شهرستان هایی مانند پاکدشت، اسلامشهر، قرچک و... نیز که در مجاورت شهرستان تهران قرار گرفته و به تدریج وابستگی اقتصادی بیش تری به مرکز پیدا کرده اند، سهم چشم گیری از صفحه های پُرمخاطب محلی را به خود اختصاص داده اند. پایین بودن سهم شهرستان پردیس به دلیل تازه تأسیس بودن این شهرستان است و پیش بینی می شود در سال های آتی این شهرستان سهم به مراتب بیش تری از صفحات محلی پیدا کند. اما شهرستان های فیروزکوه و ملارد که هیچ کدام از ویژگی های فوق الذکر را ندارند، علی رغم وسعت بالایشان، کم ترین سهم را از صفحات پُرمخاطب محلی به خود اختصاص داده اند.

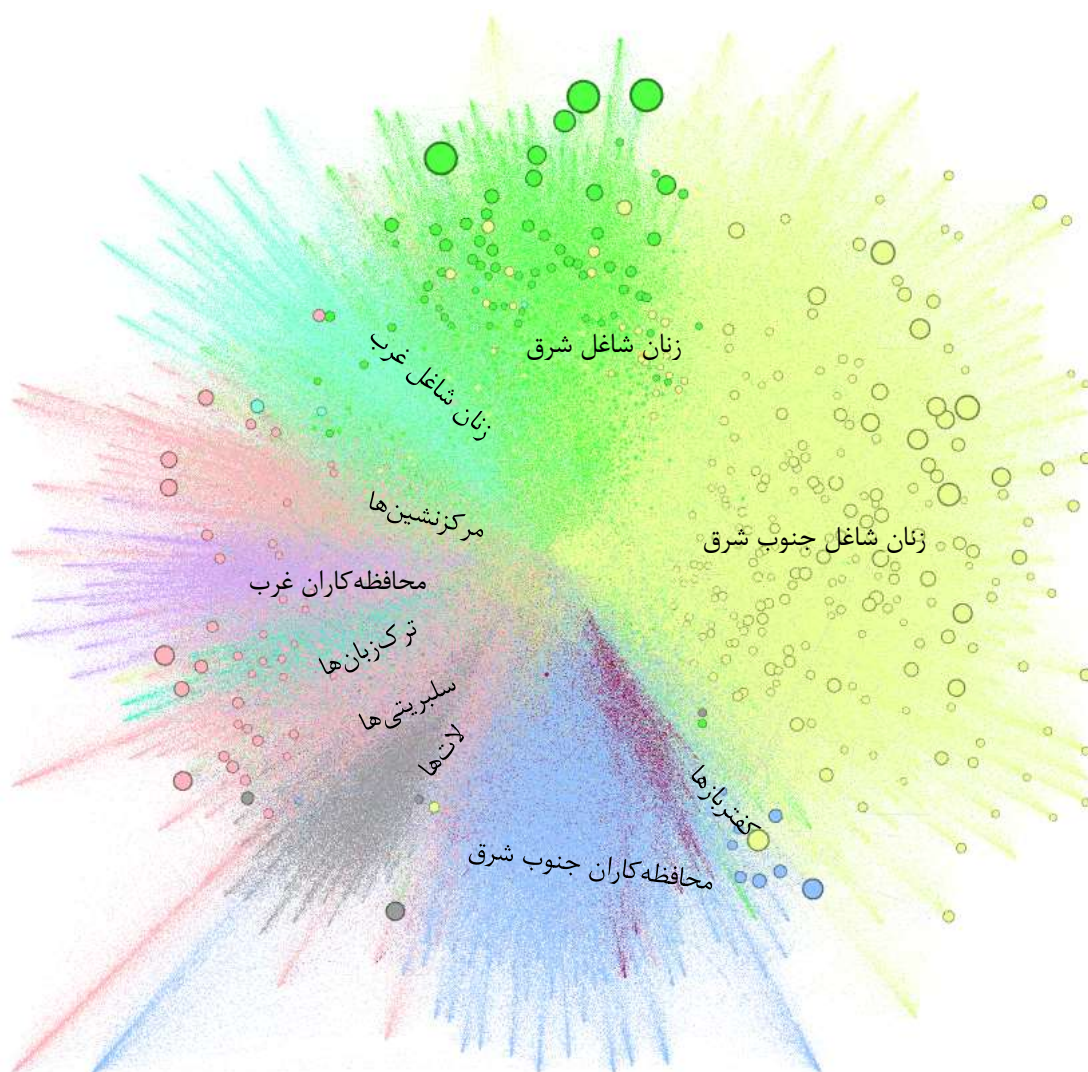


شکل شماره ۳: نقشه توزیع جغرافیایی صفحات پُرمخاطب محلی در استان تهران

نمودار شکل ۴ نشان می‌دهد که توزیع جنسیتی صاحبان کسب‌وکارهای محلی شخصی در شهرستان‌های مختلف استان تهران، توزیع بسیار نامتوازنی دارد. در شهرستان‌هایی که طی سال‌های گذشته در آنها شهرک‌های جدید ساخته شده و مهاجرپذیرتر بوده‌اند (قرچک، پاکدشت، رباط کریم، اسلامشهر و پردیس) سهم زنان از کسب‌وکارهای اینستاگرامی شخصی بین ۸۴ تا ۹۴ درصد است؛ در حالی که این نسبت در شهرستان‌هایی که بافت سنتی‌تری داشته و وابستگی کم‌تری نیز به مرکز دارند (قدس، ملارد، پیشوا و فیروزکوه) این نسبت بین ۳۲ تا ۴۴ درصد است.



شکل شماره ۴: توزیع جنسیتی کسب و کارهای محلی شخصی به تفکیک شهرستان



شکل شماره ۷: میدان های محلی آنلاین بر اساس روش اجتماعی با الگوریتم لووین در شبکه روابط مابین صفحه های پرمخاطب محلی استان تهران و نیز شبکه روابط این صفحه های محلی با صفحه های پرمخاطب ملی

در جدول شماره ۱، توزیع میدان های محلی شناسایی شده به تفکیک جنسیت، موقعیت جغرافیایی و محتوا قابل مشاهده است. به جز میدان زنان شاغل، در سایر میدان ها سهم مردان از صفحات پرمخاطب محلی بیش تر از زنان است. با توجه به توزیع محتوایی این میدان های محلی آنلاین می توان گفت زنان تنها به واسطه کسب و کارهای آنلاین توانسته اند در مناطق مختلف استان تهران مرجعیت محلی پیدا کنند. همچنین برخلاف میدان های محلی سلبریتی ها، محافظه کاران، مرکز نشین ها و ترک زبان ها که بر اساس ترکیبی از گروه های مختلف اعم از کسب و کارها، هیأت های مذهبی، مداحان، روحانیون، رسانه های محلی، سازمان های حاکمیتی، ورزشکاران و... شکل گرفته اند، میدان های محلی ای که توسط زنان شاغل، کفتربازها و لات ها شکل گرفته اند، تنوع بسیار پایینی دارند؛ به طوری که ۸۸٪ از صفحاتی که در میدان زنان شاغل قرار گرفته اند مربوط به کسب و کارها هستند، ۹۲٪ از صفحات میدان کفتربازها متعلق به خود کفتربازهاست و میدان محلی لات ها نیز به ترتیب ۷۱٪ و ۲۲٪ به کسب و کارها و لات ها تعلق دارد.

جدول شماره ۱: توزیع میدان‌های محلی به تفکیک جنسیت، موقعیت جغرافیایی و محتوا

مجموعه	میدان محلی (%)								
	لاته	کفتر بازه	ترک زبان	مرکز نشین	زنان شاغل	محافظة کارا	سلبریتی		
ع	۱	۱	۱	۱	۱	ن	۱		
۵۸	۱	۲	۶	۳۸	۹۵	۷	۱۴	زن	جنسیت
۴۲	۹۹	۹۸	۹۴	۶۲	۵	۹۳	۸۶	مرد	
۲۴	۵۸	۲۴	۶	۶۴	۱۸	۲	۳۷	تهران	شهرستان
۱۸	۱	۲۷	۰	۰	۲۲	۳۹	۲	ورامین	
۸	۰	۱	۰	۰	۱۵	۱	۱	پاکدشت	
۷	۱۲	۴	۱	۰	۱۲	۰	۱	اسلامشهر	
۶	۲	۱	۰	۰	۱۰	۶	۰	قرچک	
۶	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۲۰	دماوند	
۵	۵	۱۲	۴	۰	۱	۲۷	۱	شهریار	
۴	۰	۹	۰	۱۰	۲	۰	۱۲	شمیرانات	
۴	۹	۱	۸۷	۰	۲	۰	۰	بهارستان	
۴	۲	۱	۱	۰	۷	۰	۰	رباط کریم	
۳	۹	۱۴	۰	۲۴	۱	۱	۳	ری	
۳	۰	۵	۰	۰	۱	۱۶	۱	پیشوا	
۳	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱۳	قدس	
۲	۰	۱	۰	۰	۳	۰	۱	پردیس	
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۷	۱	ملارد	
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶	فیروزکوه	
۶۳	۷۱	۵	۲۵	۲۶	۸۸	۲۷	۴۲	کسب و کار	محتوا
۸	۱	۰	۲۶	۲	۰	۱۹	۲۳	مذهبی	
۶	۲	۰	۹	۱۲	۳	۱۴	۷	رسانه محلی	
۵	۰	۰	۱۱	۳۱	۰	۹	۳	حاکمیتی	
۴	۱	۱	۱۴	۲	۱	۱۱	۷	ورزشی	
۲	۰	۰	۲	۲۳	۰	۲	۲	آموزش و پرورش	
۲	۰	۹۲	۰	۰	۰	۰	۰	کفتر باز	
۲	۲۲	۲	۴	۰	۰	۴	۱	لات	
۱	۱	۰	۴	۰	۲	۱	۱	سبک زندگی	
۱	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۱	آموزشی	
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۱	موسیقی	
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۴	اهالی زورخانه	

سیاسی	۱	۲	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱
خیریه	۳	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱
سایر	۴	۸	۴	۱	۲	۰	۱	۲	۲

حالا که به ذهنیت نسبتاً روشنی از تشکیل دهندگان هر کدام از این میدان‌های محلی آنلاین رسیدیم، لازم است تا پیوندهای این صفحات پرمخاطب محلی را با صفحات پرمخاطب ملی نیز مورد توجه قرار دهیم. اعداد داخل جدول شماره ۲ نمایانگر میزان مرجعیت هر کدام از گروه‌های مختلف از صفحات پرمخاطب ملی در بین صفحات پرمخاطب محلی است. زنان شاغل علی‌رغم احتیاط‌هایی که در ابراز مستقیم نگرش‌های سیاسی‌شان دارند، عمدتاً با جریان‌های سیاسی تغییرخواه (به‌خصوص تحول‌خواهان) همسویی دارند و به‌لحاظ محتوایی نیز بیش‌تر صفحات آموزشی را دنبال می‌کنند. علت مرجعیت بالای صفحه‌های پرمخاطب آموزشی در بین میدان محلی زنان شاغل این است که بیش‌تر این صفحات آموزشی، اصول و تکنیک‌های لازم برای موفقیت در کسب‌وکارهای آنلاین را آموزش می‌دهند. در سویی دیگر، محافظه‌کاران علاوه بر هم‌سویی قابل‌انتظارشان با صفحات پرمخاطب اصولگرا، به‌لحاظ محتوایی بیش‌تر تحت مرجعیت صفحات پرمخاطب مذهبی قرار دارند.

جدول شماره ۲: میزان مرجعیت صفحات پرمخاطب ملی در بین میدان‌های محلی آنلاین بر اساس شاخص مرجعیت

میدان‌های محلی									
مرکز نشین ۱	محافظه کارا ن	لات‌ها	کفتر بازها	سلبریتی	زنان شاغل	ترک زبان ۱			
۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰ .	۰/۰۰ .	۰/۰۱ ۲	۰/۰۰ .	۰/۰۰۴	اصولگرا	گرایش سیاسی	صفحات پُر مخاطب ملی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۲۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	اصلاح طلب		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۱۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	تحول خواه		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۱۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	برانداز		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	سینمایی	معتدلات	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	آموزشی		
۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	عمومی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	سبک زندگی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	موسیقی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	سیاسی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	کسب و کار		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	مد و زیبایی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	احساسی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	ورزشی		
۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	مذهبی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	طنز و سرگرمی		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	کفتر باز		

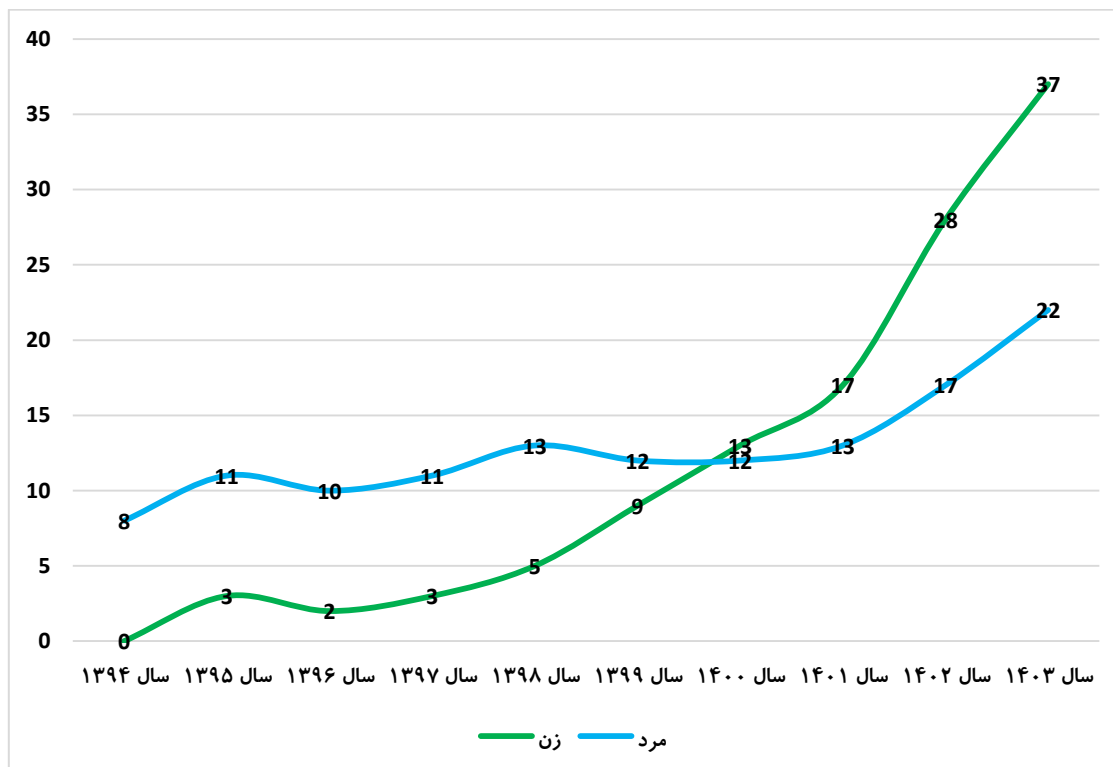
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	لات	شماره ۳	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	زن		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	مرد		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	غیرشخصی		

در جدول شماره ۳، برای این که به شناخت بهتری از منطق سوگیری های سیاسی در میدان های محلی مختلف برسیم، میزان مرجعیت بعضی از سلبریتی-کنش گرهای شاخص را در بین این میدان های محلی با هم مقایسه کرده ایم. علی دابی با فاصله معناداری نسبت به سایرین، بیش ترین مرجعیت را در میدان محلی ترک زبان ها دارد. نکته حائز اهمیت این است که علی کریمی، گلشیفته فراهانی و شروین حاجی پور که در بین سلبریتی-کنش گرهای اصلی ترین چهره های حامی جنبش زن زندگی آزادی بوده اند، به طور معناداری در میدان زنان شاغل، مرجعیت بیش تری دارند.

جدول شماره ۳: میزان مرجعیت بعضی از سلبریتی-کنش گرهای در بین میدان های محلی آنلاین بر اساس شاخص مرجعیت

میدان های محلی							سلبریتی-کنش گر
مرکز نشین ها	محافظه کاران	لات ها	کفتر بازها	سلبریتی	زنان شاغل	ترک زبان ها	
۰/۰۰۰۱	۰/۰۶۱	۰/۰۴۲	۰/۰۲۳	۰/۱۰۶	۰/۰۲۷	۰/۰۵۸	علی دابی
۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۰	۰/۰۳۱	۰/۰۲۵	۰/۰۸۸	۰/۰۳۷	۰/۰۲۸	علی کریمی
۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۶۱	۰/۰۲۴	۰/۰۱۰	نوید محمدزاده
۰/۰۰۰۳	۰/۰۳۲	۰/۰۰۳	۰/۰۱۴	۰/۰۷۶	۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	پرویز پرستویی
۰/۰۰۰۱	۰/۰۲۰	۰/۰۱۱	۰/۰۱۷	۰/۰۶۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹	ابی
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	۰/۰۶۰	۰/۰۳۷	۰/۰۰۶	گلشیفته فراهانی
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۰/۰۱۹	۰/۰۵۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	سینا ولی الله
۰/۰۰۰۳	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۷۲	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	همایون شجریان
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	۰/۰۵۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	بهروز وثوقی
۰/۰۰۰۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	عادل فردوسی پور
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۴۹	۰/۰۱۸	۰/۰۰۵	مهناز افشار
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۱۶	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۶	رسول خادم
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۴۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸	یاس
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۴۵	۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	وریا غفوری
۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۶	۰/۰۴۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	داریوش اقبالی
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۳۳	۰/۰۳۴	۰/۰۰۵	شروین حاجی پور
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۰۳۷	۰/۰۱۸	۰/۰۰۶	گوگوش
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۳۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	حمید فرخ نژاد
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۲	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	اشکان خطیبی
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	توماج صالحی

در بخش پایانی تحلیل یافته‌ها، برای ارزیابی روند قدرت‌یابی زنان در شبکه‌های محلی آنلاین، روند تغییرات در تعداد کامنت‌های کاربران به تفکیک جنسیت صاحبان صفحه‌های پرمخاطب محلی محاسبه و مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار، اطلاعات مربوط به ۶۵۸ هزار و ۹۰۲ پست منتشرشده توسط صفحه‌های پرمخاطب محلی در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ استخراج و تحلیل شده است. با توجه به این‌که بخش محدودی از این پست‌ها به دلیل جذابیت محتوا، از حلقه مخاطبان محلی فراتر رفته و با اقبال فراگیرتری مواجه شده‌اند، توزیع تعداد کامنت‌ها دچار چولگی شده است. در نتیجه، برای چنین مقایسه‌ای از بین شاخص‌های گرایش مرکزی، شاخص میانه مناسب‌تر از شاخص میانگین است.



شکل شماره ۸: روند تغییرات در شاخص میانه برای تعداد کامنت‌های پست‌های اینستاگرامی صفحه‌های پرمخاطب محلی به تفکیک جنسیت

همین‌طور که در شکل شماره ۸ مشاهده می‌شود، در طی ده سال گذشته، اقبال مخاطبان محلی نسبت به زنان دارای صفحه‌های پرمخاطب محلی، به‌طور چشم‌گیری افزایش بیشتری نسبت به مردان دارای صفحه‌های پرمخاطب محلی داشته است. نکته حائز اهمیت این است که حدود دو سال قبل از ظهور جنبش زن زندگی آزادی این روند به نفع زنان تغییر کرده و تاکنون نیز با شیب قابل توجهی ادامه پیدا کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدا گفته شد، رسیدن به فهم عمیق‌تر درباره چگونگی شکل‌گیری و پیکربندی میدان‌های محلی، مستلزم رفت و برگشت مداوم میان فضای آنلاین و فضای آفلاین است. از این جهت، بهتر است بعد از مرور یافته‌های کمی حاصل از داده‌کاوی کلان‌داده‌های اینستاگرام، تأملی نیز بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی شهرستان‌های مختلف استان تهران داشته باشیم.

شهرستان‌های استان تهران را بر اساس الگوهای رشد می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱. شهرستان‌هایی که پیشینه تاریخی قابل‌اعتنایی دارند (مانند شمیرانات، ورامین، دماوند، فیروزکوه و پیشوا)، ۲. شهرستان‌هایی که در نتیجه پیش‌روی‌های آرام سکونتگاه‌های غیررسمی شکل گرفته‌اند (مانند اسلامشهر، بهارستان و ملارد)، ۳. شهرستان‌هایی که به دلیل ساخت شهرک‌های جدید با رشد یک‌باره جمعیت مواجه شده‌اند (مانند پردیس و شهر جدید پردیس در رباط کریم) و ۴. شهرستان‌هایی که بر اساس ترکیبی از سه الگوی مذکور شکل گرفته و رشد کرده‌اند (مانند ری، تهران، قرچک، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و قدس). همچنین بر اساس میزان نزدیکی به مرکز استان نیز، این شهرستان‌ها وضعیت یکسانی ندارند. شهرستان‌هایی مانند فیروزکوه، پیشوا و ملارد به دلیل فاصله جغرافیایی قابل‌توجه تا مرکز استان، به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، وابستگی چندانی به مرکز نداشته و نرخ رشد جمعیت بالایی نیز ندارند. در طرف مقابل، شهرستان‌هایی مانند قرچک، پاکدشت، پردیس و اسلامشهر به دلیل مجاورت با تهران، بسیار مهاجرپذیر بوده و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز وابستگی بالایی به مرکز دارند. با توجه به این زمینه‌های متفاوت و همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نیز نشان داده است، شبکه‌های محلی آنالین و آفلاین متناسب با این که در کدام بخش از جغرافیای استان تهران قرار دارند، وضعیت متفاوتی پیدا کرده‌اند. با تمام این اوصاف، نباید فراموش کرد که تمامی این میدان‌های محلی (اعم از زنان شاغل، محافظه‌کاران، مرکز نشین‌ها، لات‌ها و...) را باید در یک کلیت درهم‌تنیده نگریست و برآیند کلی این صف‌آرایی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - که برندگان و بازندگان از پیش تعیین شده ندارند - را می‌توان در کشاکش این نیروهای اجتماعی و سایر نیروها جستجو کرد.

همان‌طور که در بخش یافته‌ها مشاهده کردیم، از بین میدان‌های محلی شناسایی شده که به ترتیب وسعت شبکه شامل زنان دارای مشاغل آنالین، سلبریتی‌ها، محافظه‌کاران، مرکز نشین‌ها، لات‌ها، ترک‌زبان‌ها و کفتر بازها بودند، بیش‌ترین مرجعیت صفحه‌های پرمخاطب ملی، به ترتیب در میدان سلبریتی‌ها، زنان شاغل و محافظه‌کاران دیده می‌شود و از این جهت این سه میدان محلی آنالین، قابلیت تأثیرگذاری مستقیم‌تری بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی شهروندان دارند. میدان‌های محلی زنان دارای مشاغل آنالین به طور معناداری در مناطقی از استان تهران قدرت بیش‌تری دارند که مهاجرپذیرترند، در سال‌های اخیر در آن‌ها شهرک‌سازی انجام شده و نهادهای سنتی، مذهبی و حکومتی ضعیف‌تری دارند. در نقطه مقابل، در شهرستان‌هایی که ویژگی‌های مذکور کم‌تر دیده می‌شود، میدان‌های محلی محافظه‌کاران، قدرت بیش‌تری دارند. با وجود این که زنان دارای مشاغل آنالین، با جریان‌های سیاسی تغییرخواه هم‌سویی بیش‌تری دارند، اما با توجه به اقتضائات شبکه‌سازی‌های آنالین و آفلاین‌شان، در بیش‌ترین فاصله با اجتماع‌های سیاسی قرار دارند. این تنوع‌های جغرافیایی در شکل‌گیری تدریجی انواع شبکه‌های محلی نشان می‌دهد که ساکنان بخش‌های حاشیه‌ای در استان تهران (اعم از ساکنان قدیمی و جدید) در یک موقعیت اجتماعی یکسان و تعمیم‌پذیری قرار ندارند و از این رو نمی‌توان تصور کرد که به طور مطلق و به یک میزان دچار انزوای سیاسی و اجتماعی شده‌اند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، برخلاف جریان سیاسی محافظه‌کار (اصولگرا) که توانسته است حامیان محلی خود را متناسب با اقتضائات عصر دیجیتال نیز شبکه‌مند و نهادمند کند، جریان‌های تغییرخواه (اعم از اصلاح‌طلب تا برانداز) فاقد چنین حامیان محلی هستند و همچنین در نبود سازمان‌های سیاسی کارآمد در سطح ملی، به ارتباط صرفاً رسانه‌ای با شهروندان روی آورده‌اند.

یکی از مورد ارجاع‌ترین روایت‌ها از صف‌آرایی‌های اجتماعی در نقاط حاشیه‌ای تهران، روایتی است که آصف بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» و ناظر بر وضعیت حاکم در سال‌های منتهی به انقلاب تا اوایل دهه ۷۰ مطرح می‌کند. در آن روایت، آن

چه به هنر بقا تشبیه می‌شود، زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی است؛ جایی که مردمان فقیر با استفاده از فرصت‌های موقت، کارهای غیررسمی، مشاغل خرد و شبکه‌های اجتماعی (آفلاین) فقدان دسترسی به منابع رسمی را جبران می‌کنند (بیات، ۱۳۹۱). اما پیش‌روی‌های آرام در سال‌های اخیر از چهار جهت با دوره‌ای که بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» روایت‌گرش است تفاوت دارد:

۱. علاوه بر شبکه‌های اجتماعی آفلاین، شبکه‌های اجتماعی آنلاین نیز تبدیل به بخش جدانشدنی از زندگی روزمره مردم شده‌اند.
 ۲. نیروی اجتماعی‌ای که در سال‌های اخیر در مناطق پیرامونی شهر تهران برای بقا می‌جنگد، علاوه بر طبقه فرودست، پرکاریات^۱ یا طبقه متوسطی که در معرض فرودست شدن قرار دارد را نیز شامل می‌شود.
 ۳. تمرکز جغرافیایی این نیروهای اجتماعی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی به شهرک‌های جدید حاشیه تهران منتقل شده است.
 ۴. پیش‌روی‌ها به سمت داشتن یک زندگی معمولی و آبرومندانه تغییر جهت داده‌اند.
- در مورد تفاوت اول می‌توان گفت که با فراگیر شدن نسبی اینترنت در زندگی روزمره شهروندان، پیش‌روی‌های آرام در رفت‌وبرگشت‌های مداوم میان فضای آنلاین و فضای آفلاین شکل پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند. به موازات جنبشی شدن هرچه بیش‌تر جامعه ایران از اواخر دهه ۱۳۸۰ و گسترش هرچه بیش‌تر اینترنت در ایران، سیاست هرچه بیش‌تر بر مدار اینترنت چرخیده و درعین حال «زندگی به مثابه سیاست» به عنوان شکل اصلی رفتار و کنش سیاسی در ایران، هرگز اهمیتی کم‌تر از سایر جلوه‌های کنش سیاسی نداشته است (قلی‌پور، ۱۴۰۲). با توجه به این‌که بیات هنوز هم تمایلی به اطلاق عناوینی مانند «جامعه شبکه‌ای» و «جامعه جنبشی» به «جوامعی مثل ایران» ندارد (بیات، ۱۴۰۳)، نمی‌توان انتظار داشت که این نوع تأثیر و تأثر مداوم میان فضاهای آنلاین و آفلاین و به تبع آن، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شدن بستر ظهور و بروز جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران را چندان جدی گرفته باشد.

برای توضیح بیش‌تر تفاوت‌های بعدی، لازم است روی پدیده نسبتاً متأخر شهرک‌سازی‌ها در مناطق پیرامونی مکت کنیم. یکی از اصلی‌ترین عوامل جابجایی جمعیت در سال‌های گذشته در استان تهران، شهرک‌های جدید بوده‌اند. با آن‌که هدف از احداث این شهرک‌ها، عدم تمرکز جمعیت در درون مناطق کلان‌شهری است، این شهرها خود از روندهای تمرکز جمعیت و فعالیت تأثیر می‌پذیرند. مطالعات انجام‌شده درباره برخی از مهم‌ترین شهرهای جدید کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که از ابتدا هدف اصلی اسکان جمعیت در این شهرها معطوف به اقشار متوسط بوده است؛ چراکه با توجه به بدیهی تلقی شدن ناسازگاری توان مالی گروه‌های کم‌درآمد با حداقل قیمت‌ها در بازار زمین و مسکن این شهرها، در بسیاری از این شهرها از همان ابتدا سیاست اسکان گروه‌های کم‌درآمد اتخاذ نشده بود (خاتم، ۱۳۸۳). این همان اتفاقی است که تا حد زیادی در مناطقی مانند پردیس، پرند و سایر شهرک‌های نسبتاً جدید در پاکدشت، قرچک و اسلامشهر رخ داده است. بیات معتقد است این نوع اماکن حاشیه‌ای می‌توانند حامی بقاء، رشد و تمهیدات اجتماعی جایگزین برای مردمی باشند که نمی‌توانند هزینه زندگی «به‌هنجار» و «جریان غالب» را پردازند؛ زیرا فضاهای حاشیه‌ای اگرچه از فرصت‌های ارائه‌شده توسط جریان اصلی محرومند، هزینه‌ها و محدودیت‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی جریان غالب را نیز ندارند. در چنین وضعیتی، بازیگران خلاق می‌توانند مکان‌های حاشیه‌ای را به عرصه

1. Precariat

سرزندگی و نوآوری و مکانی بالقوه برای بروز ضد قدرت بدل کنند (بیات، ۱۴۰۱). بیات در کتاب «انقلاب بدون انقلابیون» تبیینی در سطح کلان‌تر در این خصوص ارائه می‌دهد. از نظر او، شهری بودن اعتراضات در کشورهای خاورمیانه‌ای در سال‌های اخیر، که در آن حدود ۴۵٪ جمعیت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، ناشی از این پویایی تناقض‌آمیزی است که زندگی در شهرهایی مانند تهران، قاهره، استانبول و تونس ایجاد کرده و موجب برانگیختن اعتراضات می‌شود. شهرنشینی نیازها و تعهدات خاصی را برای ساکنان خود ایجاد می‌کند و درعین حال حقوق و انتظارات معینی را به آن‌ها القا می‌کند. این امر محدودیت‌های خاصی را بر نحوه زندگی در شهر تحمیل می‌کند؛ اما فرصت‌های فوق‌العاده‌ای هم برای شبکه‌سازی، ساختن ذهنیت شهری و بیان مخالفت ارائه می‌دهد (بیات، ۱۴۰۲). از این‌روست که برخلاف دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که تهیدستان در تمنای داشتن یک زندگی نه‌چندان آبرومندانه در سکونتگاه‌های غیررسمی از تعقیب دولت می‌گریختند، امروزه ساکنان سکونتگاه‌های رسمی در شهرک‌های جدید که عمدتاً پشت دروازه‌های شهر تهران قرار گرفته‌اند، با بهره‌مندی از الگوی پیچیده‌تری از پیش‌روی آرام، برای داشتن یک زندگی معمولی و آبرومندانه، مطالبه یک دولت کارآمد و غیرسرکوب‌گر را دارند.

یافته‌های این پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهند که قدرت‌مندترین میدان‌های محلی که هم‌سویی مشهودی نیز با جنبش‌های اعتراض‌آمیز (به‌خصوص جنبش زن، زندگی، آزادی) را دارند، در همین مناطق حاشیه‌ای و با محوریت زنان دارای مشاغل آنلاین شکل گرفته است. بر اساس مفهوم‌پردازی‌های گرانووتر و کاستلز، این میدان‌های محلی که بر اساس پیوندهای ضعیف میان شهروندان شکل گرفته‌اند، بر اساس درهم‌تنیدگی‌هایی که بین جنبه‌های آنلاین و آفلاین خود دارند، یک واقعیت ترکیبی در فضای شهری ایجاد کرده‌اند که نقش به‌سزایی در قدرت‌یابی زنان طبقه فرودست ایفا می‌کنند. یکی از نمونه‌های متأخر از کارهای پژوهشی برای رسیدن به بُرشی عمیق‌تر از اهمیت این نیروهای اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهتاب همپائی است که روایت مردم‌نگارانه‌ای از مقاومت روزمره زنان شاغل در سکونتگاه‌های پیراشهری ارائه می‌دهد (همپائی، ۱۴۰۳). همچنین، بر اساس پژوهش رکسانا بهرامی‌تاش، زنان کارآفرین در کسب‌وکارهای خُرد و بخش غیررسمی در ایران، علاوه بر این‌که - در واکنش به تفکیک‌شدگی جنسیتی - با تمرکز بر فضاها و عمدتاً زنان، از رقابت نابرابر با مردان رها شده و فرصت‌های جدیدی در بازار برای خودشان به‌وجود آورده‌اند، از طرفی نیز با استفاده از جلسات دوره‌ای قرض‌الحسنه‌ای میان زنان، مشکل عدم دسترسی زنان به وام‌های خرد را نیز حل کرده‌اند (بهرامی‌تاش، ۱۳۹۹). بهرامی‌تاش بر اساس پژوهش دیگری که با همکاری شهلا کاظمی‌پور انجام داده است، دلیل این‌که بسیاری از زنان، بخش غیررسمی را ترجیح می‌دهند، این می‌داند که این‌گونه مشاغل به آن‌ها اجازه حضور در کنار خانواده‌شان را می‌دهند (بهرامی‌تاش و کاظمی‌پور ۱۴۰۲). اما به‌نظر می‌رسد این گزاره دست‌کم درخصوص مشاغل غیررسمی زنان که در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده‌اند، تعمیم‌پذیری کم‌تری پیدا کرده است. مشاهدات ما نشان می‌دهد که بسیاری از زنانی که از یک طرف به‌لحاظ طبقاتی بر روی یک زمین لغزنده حرکت می‌کنند و در سوی دیگر در داخل خانه‌هایشان درگیر تضادهای جنسیتی هستند، برای کاستن از وابستگی‌های اقتصادی نسبت به مرد خانواده به این مشاغل روی آورده‌اند.

به‌طور کلی، شکل‌گیری این میدان‌های محلی آنلاین، بخشی از دستاوردهای «سیاست حضور» زنان است که علاوه بر جنبه‌های آنلاین، مابه‌ازاهای آفلاین نیز پیدا کرده است. در سیاست حضور نه مراجعه‌ای به مقامات صورت می‌گیرد و نه افراد ضرورتاً حضور را برای مقاومت در برابر سازوکار قدرت انتخاب می‌کنند. برعکس، آن‌ها در وهله نخست، بهبود وضعیت زندگی شخصی خود را مدنظر دارند و هدفشان مقاومت نیست؛ اما وقتی این رفتارها در مقیاسی بزرگ صورت می‌گیرد و تعداد زیادی از افراد به‌طور هم‌زمان به آن رو می‌آورند، حاصل، شکل‌گیری یک ناجنبش اجتماعی است که قدرت را در برخی موارد وادار به

عقب‌نشینی و ایجاد تغییراتی می‌کند که مطلوب آن نیستند (صادقی، ۲۰۱۱). این الگوی تغییر اجتماعی، در مردم‌نگاری چندمیدانه سپیده ثقفیان در جنوب شهر تهران نیز به چشم می‌خورد. در این پژوهش، ثقفیان نشان داد که چگونه فقر و تلاش والدین برای بقای اقتصادی، باعث کم‌رنگ شدن نقش نظارتی خانواده و حضور آسان‌تر و حتی گاهی اجباری دختران در فضاهای عمومی-محلی می‌شود؛ حضوری که سرخوشانه و یا به قصد مقاومت نیست؛ اما به‌طور ناخواسته منجر به تغییرات اجتماعی می‌شود (ثقفیان، ۱۳۹۸). این حد از محوریت یافتن زنان طبقه فرودست در تحولات اجتماعی و سیاسی، دست‌کم در ایران معاصر، اتفاقی بی‌سابقه است. از جنبش مشروطه تاکنون، زنان طبقات مرفه و متوسط در مقاطع زمانی مختلف و به شکل‌های گوناگون، نقش چشم‌گیری در تحولات جامعه ایران ایفا کرده‌اند (کریمی، ۱۴۰۲)؛ اما به‌نظر می‌رسد زنان فرودست و به‌حاشیه رانده‌شده هیچ‌گاه به اندازه اکنون، به‌عنوان نیروی اجتماعی شبکه‌مند، نقش مؤثری در تحولات جامعه ایران نداشته‌اند.

برای آن‌که به فهم بهتری از دلالت‌های اجتماعی و سیاسی قدرت‌یابی زنان طبقه فرودست دست یابیم، لازم است تا تأمل بیش‌تری در نقش این نیروهای اجتماعی نوظهور در اعتراضات سال‌های اخیر داشته باشیم. در سال‌های گذشته، ناتوانی دولت در ایجاد فرصت‌های شغلی در بازار رسمی برای زنان و گسترش روزافزون بازار غیررسمی موجب شده است تا بخش زیادی از زنان برای کسب معیشت، ناچار به فعالیت در مشاغل غیررسمی شوند. همانند بسیاری دیگر از کشورها، شاغلان در بازار کار غیررسمی فاقد امنیت شغلی هستند و در معرض انواع سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ زیرا کم‌ترین نظارتی بر این بخش وجود ندارد. این امر بر نارضایتی زنان افزوده و مشوق جدی‌تری برای حضور آنان در اعتراضات خیابانی و جنبش‌های اعتراضی فراهم آورده است (مدنی، ۱۳۹۹). در نتیجه، روندهایی که منجر به تداوم محرومیت زنان به‌حاشیه رانده‌شده از دستیابی به شغل مناسب در اقتصاد رسمی کشور شده‌اند، به‌طور ناخواسته و با تسهیل‌گری شبکه‌های محلی آنلاین، زنان به‌حاشیه رانده‌شده و یا پشت درهای مرکز مانده را به نیروی اجتماعی شبکه‌مندی تبدیل کرده که در تغییرات اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر، محوریت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند.

منابع

- اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه سیاست، ۴۵(۴)، ۸۲۵-۸۴۱.
- ایسپا (۱۴۰۳). نتایج جدیدترین نظرسنجی ایسپا؛ میزان استفاده از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی. بازیابی شده از <https://ispa.ir/Default/Details/fa/3472>
- بهرامی‌تاش، رکسانا (۱۳۹۹). زنان کارآفرین؛ کسب‌وکارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران (مهشید کریمایی، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب‌ما.
- بهرامی‌تاش، رکسانا و کاظمی‌پور، شهلا (۱۴۰۲). اقتصاد پوشیده؛ جنسیت و بخش غیررسمی. در اقتصاد سیاسی اشتغال زنان ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۷ (صص. ۲۹۵-۳۳۴) (مهشید کریمایی، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب‌ما.
- بیات، آصف (۱۴۰۲). انقلاب بدون انقلابیون؛ معنابخشی به بهار عربی (علیرضا صادقی و رضا آرت، مترجمان). تهران: انتشارات شیرازه کتاب‌ما.
- بیات، آصف (۱۳۹۱). سیاست‌های خیابانی (جنبش تهی‌دستان در ایران) (اسدالله نبوی چاشمی، مترجم). تهران: انتشارات پردیس دانش.
- بیات، آصف (۱۴۰۱). طبقه، سیاست و نظریه اجتماعی (کیهان صفری، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب‌ما.

- بیات، آصف (۱۳۹۸). طغیان طبقه متوسط فرودست؛ گفتگو با آصف بیات. ایران فردا، (۵۷)، اسفند ۱۳۹۸.
- بیات، آصف (۱۴۰۳). گفت‌وگوهای زندان و جنبش مهسا؛ نامه آصف بیات به سعید مدنی. بازیابی شده در ۱۴۰۳، از <https://www.aasoo.org/fa/articles/4750>
- ثقفیان، سپیده (۱۳۹۸). در تقاطع سنت، فقر و جنسیت؛ یک مردم‌نگاری چندمیدانه در جنوب شهر تهران. تهران: انتشارات خرد سرخ.
- حاجی‌زادگان، ابوالفضل (۱۴۰۳). سبقت‌گرفتن اینفلوئنسرها از سلبریتی‌ها؛ پنجمین گزارش سالیانه پیرامون روندهای تغییر در اینستاگرام ایرانی از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۳. بازیابی شده از <https://mashghenow.com/?p=6150>
- خاتم، اعظم (۱۳۸۳). متقاضیان اسکان در شهرهای جدید منطقه تهران. در سمینار بین‌المللی شهرهای جدید. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- قلی‌پور، مجتبی (۱۴۰۲). اینترنت و رفتار سیاسی در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، پاملا (۱۴۰۲). زندگی خانگی و فرهنگ مصرفی در ایران؛ انقلاب‌های داخلی در عصر مدرن (زهره طاهری، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- لطیفی، مارال (۱۴۰۳). پذیرش شکست؛ افت افشار میانی جامعه، نمونه تهران. تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- مدنی، سعید (۱۳۹۹). آتش خاموش؛ نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸. تهران: مؤسسه رحمان.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). سالنامه ۱۴۰۰. بازیابی شده از <https://amar.org.ir/Portals/0/PropertyAgent/6200/Files/31009/400-23-03.pdf>
- همپانی، مهتاب (۱۴۰۳). تقلا برای زیستن: روایت زنان از سکونتگاه‌های پیراشهری. مصاحبه توسط مؤسسه شک با همکاری انجمن انسان‌شناسی ایران.
- هنیش، ناتالی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نوربرت الیاس (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: نشر نی.
- Aarekijseere, K. (2019). Network sampling through crawling. Syracuse University.
- Blondel, V. D., Guillaume, J.-L., Lambiotte, R., & Lefebvre, E. (2008). Fast unfolding of communities in large networks. *Journal of Statistical Mechanics: Theory and Experiment*, 2008(10), P10008. <https://doi.org/10.1088/1742-5468/2008/10/P10008>
- Castells, M. (1996). *The rise of the network society*. Blackwell.
- Conley, T. L. (2012, April 19). Introducing the Online-Offline Continuum. Retrieved from <https://taralconley.org/breakfast-edd-omlette/2012/04/20/introducing-the-online-offline-continuum-a-work-in-progress>
- Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *American Journal of Sociology*, 78(6), 1360–1380.
- Hampton, K. N., & Wellman, B. (2018). Lost and saved... again: The moral panic about the loss of community takes hold of social media. *American Behavioral Scientist*, 62(8), 1056–1076.
- Huang, C. Y., Chin, W. C. B., Fu, Y. H., & Tsai, Y. S. (2019). Beyond bond links in complex networks: Local bridges, global bridges and silk links. *Physica A: Statistical Mechanics and Its Applications*, 536, 122517.
- Putnam, R. D. (2015). *Rebuilding America's communities*. Harvard Business Review. Retrieved February 12, 2025, from <https://hbr.org/2015/03/rebuilding-americas-communities>
- Sadeghi, F. (2011). Women, power, and resistance in post-revolutionary Iran. *Women Living Under Muslim Laws*.

- Salehi, M., Rabiee, H. R., & Rajabi, A. (2012). Sampling from complex networks with high community structures. *Chaos: An Interdisciplinary Journal of Nonlinear Science*, 22(2), 023119.
- Serino, M. (2021). Culture and networks in online social fields: Studying the duality of culture and structure in social media through Bourdieu's theory and social network analysis. *Italian Sociological Review*, 11(3), 369–389.
- Stivala, A. D., Koskinen, J. H., Rolls, D. A., Wang, P., & Robins, G. L. (2016). Snowball sampling for estimating exponential random graph models for large networks. *Social Networks*, 47, 167–188.
- Wu, T. (2024). Large-scale group decision-making involving community representatives: A perspective of combining strong and weak ties. *Information Fusion*, 108, 102306.